

استکبار می‌خواهد تا بین مسلمین تفرقه بیندازد و امت را از هم بپاشد و داعش بخوبی آرزوی آنان را برآورده کرد. با کشتار مردم بیگناه (همچون قبیله شعیبات در سوریه، بوکمال، رقه و...)، توهین به علمای اسلام (مانند توهین ابو محمد العدنانی سخنگوی داعش که شیخ مقدسی و ابوقتاده را حمیرالعلم خطاب کرد)، کشتار مجاهدین دیگر و خانوادهایشان در سوریه (مانند کشتن ابو محمد الفاتح و خانواده‌اش که از اعضای جبهه النصره بودند)، کشتن خبرنگاران، حمله به بیمارستان‌ها، عملیات‌های انتحاری و... موجب شد تا علاوه بر اختلاف بین امت اسلامی، چهره‌ای زشت و تند از اسلام را به دیگر جهانیان انتقال دهد و در پروژه اسلام‌هراسی نقش ایفا کند.

محور سوم: پاسخ به انتقادات و شبهات داعش

داعش بیش از ۲۰ انتقاد را به جریان طالبان (امارت اسلامی) وارد کرده که نویسنده آنها را در کتاب ذکر کرده و به بررسی و پاسخ آنها پرداخته است. نقدهایی همچون: ارتباط با ایران، مصالحه با دولت پاکستان، عدم باور به شرک شیعیان، مشروع بودن دولت‌های خلیج، باور به دیپلماسی و روابط خارجی و...

مفتی عبیدالله انور در کتاب با ادله مختلفی انتقادات را پاسخ می‌دهد و معتقد است که تمام فعالیت‌های خلافت و حکومت اسلام باید بر اساس منهج نبوی باشد، در حالی که خلافت اسلامی از آن به دور است. در سیره نبوی ما شاهد هستیم که نمایندگان راه‌نقاط مختلفی که مسلمان نبودند به عنوان سفیر ارسال می‌کرد تا در ارتباط و تعامل باشند و آنان را به حق دعوت کنند. [۴] یا زمانی که پیامبر اسلام (ص) وارد مدینه شدند با یهودیان آنجا پیمان صلح نوشته و به آن پایبند بودند. [۵] با این حال داعش چگونه معتقد است که نباید سفیر ارسال کرد یا با دیگران وارد مصالحه نشد؟ آیا این نگاه دور از سیره نبوی نیست؟ از طرفی علمای سلف معتقدند که نباید در برابر کفار کوتاه آمد و عقب‌نشینی کرد اما همان‌ها فتوا داده‌اند که اگر قدرت و توانایی مقاومت را ندارید بدون اینکه تحت حاکمیت آنها دربیایید، می‌توانید جنگ را متوقف کرده و پیمان آتش بس امضا کنید. [۶] نگارنده در ادامه می‌گوید: دلیلی ندارد هر کس را که به قبله مشترک و آموزه‌های دیگر باور دارد مشرک و خارج از دین تلقی کنیم. آنچه که در این محور شاهد آن هستیم، پاسخ‌های متعدد نگارنده به انتقادات داعش بر اساس اقوال فقهای اربعه اهل سنت است و در همین جاست که مخاطب متوجه خواهد شد داعش نه تنها قائل به تقلید و پیروی از سلف نیست بلکه اجتهاد بدون ضابطه‌ای را هم در پیش گرفته است.

در بخش دیگری از این محور داعش به شبهاتی که علیه خودش وارد بوده، پاسخ داده که در کتاب آن پاسخ‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. داعش برای ادعای‌های خود همچون: کشتار مرتدین بر کفار اولویت دارد، در هر جا که سلطه یابیم ابتدا شریعت را اجرا می‌کنیم، خلافت اولویتش حفاظت از جان و مال مردم عراق است، فقط داعش است که ضد طاغوت است و... به دلایلی تمسک کرده که نویسنده در کتاب آنها را و اثبات می‌کند که دلایل‌شان ضعیف بوده و در میدان واقعی هم خلاف

داعش بیش از ۲۰ انتقاد را به جریان طالبان (امارت اسلامی) وارد کرده که نویسنده آنها را در کتاب ذکر کرده و به بررسی و پاسخ آنها پرداخته است. نقدهایی همچون: ارتباط با ایران، مصالحه با دولت پاکستان، عدم باور به شرک شیعیان، مشروع بودن دولت‌های خلیج، باور به دیپلماسی و روابط خارجی و...